

علی سرزعی\*

## افزایش حقوق‌ها به چه معناست؟

انتهای سال ۱۳۹۸ سازمان برنامه با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی افزایش حقوق کارکنان دولت را کلید زد. قاعدتا توجیه رایج این است که قدرت خرید کارمندان به واسطه تورم شدید به شدت کاهش یافته و نیاز به جبران داشته است.

این پیشنهاد بدون اینکه در مجلس بررسی شود در دولت تصویب شد و همان ZWNJ؛طور که می ZWNJ؛توان حدس زد به سرعت برق در تمام دستگاه ZWNJ؛های اداری با اشتیاق به اجرا در آمد.

قبل از هر چیز روشن است که هیچ ZWNJ؛کس با بهبود وضعیت درآمد افراد، خصوصا کارمندان دولت مخالف نیست و اتفاقا خود اینجانب جزو منتفعان این سیاست هستم؛ اما دانش اقتصادی حکم می ZWNJ؛کند که آدمی فارغ از ذی ZWNJ؛نفع بودن، پیامدهای یک سیاست را بررسی کند. بنابراین به اختصار به این پیامدها اشاره می ZWNJ؛کنم.

ابتدایی ZWNJ؛ترین پیامد این سیاست آن بود که زنجیره ZWNJ؛ای از افزایش حقوق در بخش ZWNJ؛های مختلف را کلید زد. وقتی حقوق کارمندان اضافه شود بعد بازنشستگان دولتی مدعی می ZWNJ؛شوند که باید حقوقشان تناسبی با حقوق کارمندان داشته باشد و طبیعتا دولت ناگزیر از این امر می ZWNJ؛شود که شد. سپس بازنشستگان تامین اجتماعی و دیگر صندوق ZWNJ؛های غیردولتی شاکی می ZWNJ؛شوند که تفاوت حقوق آنها با بازنشستگان کشوری شدید شده است و این بار تامین اجتماعی ناگزیر از ترمیم حقوق آنها می ZWNJ؛شود. تا اینجا کار معنای مشخص این امر یعنی وخیم ZWNJ؛تر شدن بحران صندوق ZWNJ؛های بازنشستگی؛ زیرا به جای کاهش هزینه ZWNJ؛ها و افزایش ورودی، تنها هزینه ZWNJ؛ها افزایش یافته است.

اندکی بعد نوبت به تعیین دستمزد در بخش خصوصی می ZWNJ؛رسد و نمایندگان کارگری مدعی افزایش قابل توجه حقوق می ZWNJ؛شوند؛ زیرا انتظار دارند که حقوق در بخش خصوصی رابطه ZWNJ؛ای با حقوق در بخش دولتی داشته باشد و وقتی حقوق بخش دولتی افزایش یافت در بخش خصوصی نیز چنین انتظاری ایجاد می ZWNJ؛شود که همین اتفاق نیز افتاد و حداقل حقوق با یک جهش قابل ملاحظه به حدود چهار و نیم میلیون تومان رسید. حال باید از خود سوال کنیم که آیا چنین حقوقی برای بخش خصوصی که سخت گرفتار کرونا و تحریم است، قابل تحمل است؟ آیا این حقوق استخدام بیشتر را ترغیب می ZWNJ؛کند یا بنگا ZWNJ؛های واقعا خصوصی را از استخدام بیشتر بازمی ZWNJ؛دارد؟ کاملا روشن است که حقوق بالا و حق بیمه ZWNJ؛ای که به تناسب آن افزایش یافته است، فشار شدیدی بر بنگاه ZWNJ؛های واقعا خصوصی وارد می ZWNJ؛کند.

نکته جالب توجه این است که همه این اتفاقات در سالی افتاده که پدیده کرونا رخ داده و در بخش دولتی دورکاری یعنی کارنکردن حاکم بوده است! در کشورهای بسامان و پیشرفته به ZWNJ؛دلیل کرونا و دورکاری حقوق افراد بین ۵۰ درصد تا ۳۰ درصد کاهش یافت؛ ولی در کشور ما -که به ZWNJ؛دلیل تحریم گرفتارتر است- این حقوق افزایش پیدا کرد. کسی می ZWNJ؛تواند واقعا توضیح دهد چرا؟ مساله بدتر این است که شکاف متوسط حقوق در بخش خصوصی و دولتی به زبان بخش خصوصی در حال گسترش است. برخلاف تصور رایج، میانگین حقوق در بخش خصوصی پایین ZWNJ؛تر از متوسط حقوق در بخش دولتی است و بخش خصوصی به ZWNJ؛دلیل رشدهای اقتصادی منفی با کاهش قدرت خرید مشتریان روبه ZWNJ؛رو است و درآمد شرکت ZWNJ؛هایی که در بخش واقعی فعالیت می ZWNJ؛کنند، دچار افت است. اگرچه تورم برخی ارقام را باد کرده، اما وقتی اثر تورم حذف شود، افت ZWNJ؛ها چشم ZWNJ؛گیر می ZWNJ؛شود. البته در اقتصاد بزرگی مثل ایران همیشه استثناهای بزرگی هستند مثلا شرکت ZWNJ؛هایی که درآمد ارزی دارند و با رشد نرخ ارز درآمد بیشتری پیدا می ZWNJ؛کنند یا بخش ZWNJ؛هایی که از حباب بازار دارایی منتفع می ZWNJ؛شوند.

نمونه آشکار این قضیه حقوق اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها و دولتی و دانشگاه آزاد است. اگرچه حقوق اعضای هیات علمی در مقایسه با بیشتر بخش‌ها و دولتی نازل‌تر است، اما شکاف بین حقوق اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها و دولتی و دانشگاه آزاد برای استادان دانشگاه آزاد آزردهنده بوده است. در دانشگاه‌ها و دولتی، حقوق فارغ از میزان دانشجو و تدریس آنلاین یا حضوری افزایش یافته است، اما در دانشگاه آزاد چون حقوق مرتبط با درآمد دانشگاه و آن هم با شهریه است، دانشگاه آزاد نمی‌تواند پایه پای دانشگاه‌ها و دولتی این افزایش‌ها را انجام دهد؛ زیرا اگر بخواهد شهریه‌ها را افزایش دهد با افت ثبت‌نام و فشارهای اجتماعی روبه‌رو می‌شود!

به باور اینجانب، موضوع اعتراض بخشی از کارکنان صنعت نفت ریشه در همین تبعیض دارد. کارکنان رسمی وزارت نفت حقوقشان با مصوبات دولت افزایش می‌یابد؛ اما حقوق کارکنان قراردادی با مصوبات شورای عالی کار! در یک بازه زمانی این شکاف غیرقابل تحمل می‌شود!

حال بیاییم در سطح کلان به پیامدهای این اقدام نگاه کنیم. در حال حاضر کشور ما با مشکلات چندی روبه‌رو است که افت مصرف و افت سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین آنهاست؛ اما افت سرمایه‌گذاری مهم‌تر از افت مصرف است. تلاش برای افزایش حقوق برای جبران افت مصرف است؛ اما اگر رشد اقتصادی صفر یا منفی باشد این تنها به قیمت افت سرمایه‌گذاری ممکن می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید که بودجه دانشگاه تغییر نکند؛ اما حقوق کارکنان دانشگاه اضافه شود، این افزایش از کدام محل جبران خواهد شد؟ طبعاً از محل سرمایه‌گذاری دانشگاه بر نوسازی ساختمان‌ها (رفع استهلاک)، ایجاد ساختمان‌ها و امکانات جدید و ... همه ما از مقدمات اقتصاد می‌دانیم که رفاه فردا تابعی از سرمایه‌گذاری امروز است. بنابراین اگر مساله رفاه امروز باشد باید به مصرف بها دهیم؛ اما اگر مساله رفاه پایدار تا آینده باشد، باید به سرمایه‌گذاری بها دهیم. فدا کردن سرمایه‌گذاری به بهای رفاه امروز نشان از عواطف و مگرایی (پوپولیسم) دارد.

اگر دولت و مجریان امر نخواهند تسلیم کاهش سرمایه‌گذاری در ازای رشد مصرف شوند، آن وقت ناگزیر خواهند بود که به کسری بودجه و تامین مالی تورمی آن تن دهند که اقتصاد را به شدت بی ثبات خواهد کرد. اقتصاد ایران در پی انتخابات آمریکا فعلاً از کمند ابرتورم رها شده است؛ اما اگر همین مسیر بودجه متورم را دنبال کند، ناگزیر انتظارات تورمی دوباره برخواهد گشت و داخل شیشه کردن این گول دیگر به سادگی امکان پذیر نخواهد بود. دقیقاً به همین دلیل است که برخی افراد آگاه در جناح اصولگرا با بدبینی شدید به این اقدامات سازمان برنامه در ماه‌های آخر دولت نگاه می‌کنند و آن را با بدبینی دام‌هایی برای دولت جدید قلمداد می‌کنند. فارغ از اینکه این تفسیرهای بدبینانه درست است یا درست نیست، باید نسبت به تبعات کلان آن نگران بود. حکومت تمایل ندارد تا خود را در مسائل اقتصادی با جامعه روبه‌رو کند و به همین دلیل کاهش حقوق گزینه ممکن نیست و در نتیجه دولت جدید ناچار می‌شود مسیری را که از قبل برایش ترسیم شده است، ادامه دهد؛ فارغ از اینکه بخواهد یا نخواهد، بتواند یا نتواند، صلاح باشد یا صلاح نباشد.

تحلیل‌های کینزی که بر رشد کسری بودجه برای خروج از رکود تاکید دارند با وضع موجود ایران بی‌ارتباط هستند. حتی اگر می‌خواستیم در این شرایط این نسخه غیرمرتبط را اجرا کنیم، بهتر بود روی رشد هزینه عمرانی (افزایش سرمایه‌گذاری) تمرکز می‌کردیم تا روی رشد هزینه جاری.

واقعیتی که در پس همه این مسائل وجود دارد اما افراد خود را به تغافل می‌زنند، رشد اقتصادی منفی است. تبعات رشد اقتصادی منفی پنهان‌کردنی و حذف‌کردنی نیست و طبعاً روی اقتصاد خراب می‌شود. حال می‌توان کارمندان دولت را تا حدی از پیامد آن رهانید؛ اما باید به آن تن داد که تورم شدید، فشار بزرگ‌تری بر بخش غیردولتی خصوصاً فقرا وارد کند! راه واقعی و غیرپوپولیستی بهبود معیشت در گرو بهبود رشد اقتصادی است و چون این گزینه، گزینه سختی است همه دنبال گزینه‌های میانبری هستند که واقعیت ندارند و موجود نیستند. به امید آنکه بهبود معیشت از راه‌های بخردانه و مدبرانه دنبال شود.

\*معاون امور اقتصاد و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

